

تصحیح و مقدمہ

جامع اللذات

محمد بن محمود جرجانی

به کوشش :

دکتر سید محمد باقر کمال الدینی

«عضو هیئت علمای دانشگاه پیام نور»

مصطفی خاکپور

«کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی»



نشر کمال

سرشناسه: جرجانی، محمدبن محمود، قرن ۸ ق.
 عنوان و نام پدیدآور: تصحیح و مقدمه جامع اللذات/ محمدبن محمود جرجانی: به کوشش [مصحح] سیدمحمدباقر کمال الدینی.
 مصطفی خاکپور.
 مشخصات نشر: یزد: کمال، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۷۴ ص.
 شابک: ۱-۱۳-۷۶۲۲-۶۰۰-۹۷۸-۵۰۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: گیاهان دارویی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
 موضوع: پزشکی سنتی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
 شناسه افزوده: کمال الدینی، سیدمحمدباقر، ۱۳۴۵ -، مصحح
 شناسه افزوده: خاکپور، مصطفی، ۱۳۶۲ -، مصحح
 رده بندی کنگر: ۱۳۹۴ ق ۴ ج/ R۱۳۵
 رده بندی دیویی: ۶۱۰
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۴۴۸ ۴



نشر کمال

عنوان: تصحیح و مقدمه جامع اللذات

مؤلف: محمدبن محمود جرجانی

مصحح: دکتر سیدمحمدباقر کمال الدینی، مصطفی خاکپور

ناشر: نشر کمال

چاپ: نارنجستان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۱-۱۳-۷۶۲۲-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

حق چاپ محفوظ است.



یک پیشگفتار

دو معرفی کتاب

دو ۱: ایران قرن هشتم

دو ۱-۱: اوضاع سیاسی ایران قرن هشتم

سه ۱-۲: اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران در قرن هشتم

سه ۱-۳: نثر فارسی در این دوره (نثر فنی)

چهار ویژگیهای نثر فنی

پنج ۱-۴: وضع علوم در قرن هشتم

پنج ۱-۵: پزشکی و داروشناسی

شش زبان و ادبیات فارسی در قرن نهم

شش نخست: از جنبه کمیت و یا وضع ظاهری آن

شش دوم: از جنبه کیفیت یا وضع معنوی آن

هفت طب در قرن نهم

هفت علوم ادبی در قرن نهم

هشت اوضاع و احوال ایران از نخستین سالهای سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری

هشت وضع اجتماعی ایران در این دوران

نه پزشکی و داروشناسی و دانشهای طبیعی دیگر در این دوران

ده از دیگر طبای این دوره

یازده دانشهای ادبی در این دوران به روایت پرفسور ادوارد براون

دوازده نثر فارسی در قرن دهم

سیزده نثر در قرن دهم

چهارده زبان و ادب فارسی از نخستین سالهای سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری

چهارده دانشهای ادبی در قرون دهم و یازدهم

پانزده علوم پزشکی در قرن یازدهم

پانزده ۲: درباره مؤلف

۲-۱: جرجان	بانزده
تاریخ جرجان به قلم ابوالقاسم سهمی	هفده
انگیزه تالیف	هفده
ساختار	هجده
گزارش محتوا	هجده
بخش اول: مطالب و وقایع تاریخی	هجده
بخش دوم: تراجم یا شرح حال‌ها	بیست
۲-۲: مشاهدات جرجان	بیست و دو
۲-۳: محمد بن محمود جرجانی	بیست و سه
۲-۴: جرجانی و امای	بیست و شش
۲-۵: آثار دیگر مؤلف	بیست و شش
• رساله نفیسه	بیست و شش
• رساله فواکه	بیست و هشت
۲-۶: منابع مورد استفاده جرجانی	بیست و هشت
ارزش ادبی و سبک جامع اللذات	بیست و هشت
الف- مختصات لفظی	بیست و نه
- نخست	بیست و نه
- دوم	بیست و نه
- مراعات التظیر	بیست و نه
- سجع	بیست و نه
- تضاد (طباق)	سی
- موازنه و ترصیع	سی
- اشتقاق و شبه اشتقاق	سی
- درج امثله فارسی و عربی	سی
- استفاده از سخنان بزرگان	سی
- تلمیح	سی
ب- مختصات معنوی	سی و یک
- استفاده از انواع تشبیه	سی و یک
- استعاره	سی و یک
- کنایه	سی و یک
- اینهام تناسب	سی و یک
- وصف	سی و یک
- توصیف پدیده‌ها و عوارض طبیعی	سی و یک

سی و دو	توصیف بهار
سی و دو	مدح
سی و دو	ارزش علمی مقالات جامع اللذات
سی و دو	• در مورد مقدمه
سی و سه	دیدگاه علم عرفان
سی و سه	• در مورد مقاله اول
سی و سه	دیدگاه علم النفس
سی و چهار	حسن مشترک
سی و چهار	خیال یا قلم
سی و چهار	• در مورد مقاله دوم
سی و چهار	دیدگاه اول
سی و چهار	✽ توضیح کتاب
سی و چهار	دیدگاه دوم
سی و پنج	✽ توضیح کتاب
سی و پنج	• در مورد مقاله سوم
سی و پنج	دیدگاه عرفانی و آرای خواجه نصیر
سی و شش	ابوالحسن فارسی گوید
سی و شش	✽ توضیح کتاب
سی و شش	• در مورد مقاله چهارم
سی و هفت	✽ توضیح کتاب
سی و هفت	• در مورد خانمه کتاب
سی و هشت	✽ توضیح کتاب
سی و هشت	اهمیت تصحیح کتاب
سی و نه	نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح
سی و نه	۱. نسخه خطی سربزدی
سی و نه	• عبارت صفحه اول
سی و نه	• افتادگی‌ها
سی و نه	• سایر مشخصات
چهل	• عبارت صفحه آخر
چهل	۲. نسخه خطی کتابخانه ملی
چهل	• عبارت روی جلد
چهل	• سایر مشخصات
چهل	• افتادگی‌ها

- عبارت صفحه آخر چهل
- سایر نسخه‌های خطی جامع‌الذات چهل
- برتری و مزیت نسخه‌های تهران و یزد نسبت به یکدیگر چهل و یک
- برتری نسخه‌ها چهل و یک
- ۱. تهران چهل و یک
- ۲. یزد چهل و یک
- رسم‌الخط نسخه‌ها چهل و یک
- سخن آخر چهل و سه
- اما در مورد موضوع اول چهل و سه
- اما در مورد موضوع دوم چهل و چهار
- حواشی کتاب چهل و پنج
- اما در مورد امیر زین‌الدین (معنی چمن تن به این نام) چهل و شش
- اهدایی چهل و هفت
- کتابخانه سربزدی چهل و هفت
- تقدیر و تشکر چهل و هفت

جامع اللذات

مقدمه: در بیان آنچه دانستن آن پیش از شروع مقصود ضروری است، مرتب بر هفت باب

- ۹ باب اول: در معرفت نفس ناطقه و قوت‌های وی
- ۱۰ باب دوم: در معرفت روح و قوت و اقسام هر یک
- ۱۱ اما قوت طبیعی
- ۱۱ اما قوت حیوانی
- ۱۱ اما قوت نفسانی
- ۱۲ اما مدرکه فی الظاهر پنج است
- ۱۲ اما مدرکه فی الباطن پنج است
- ۱۳ اما قوت محرکه بر دو قسم بود
- ۱۳ قوت باعته
- ۱۳ اما قوت فاعله
- ۱۳ باب سوم: در کیفیت ارتباط نفس به بدن و سایر احوال وی به اعتبار تعلق او به بدن و تجرد آن
- ۱۳ اما مطلوب اول
- ۱۴ اما مطلوب دوم
- ۱۴ اما مطلوب سوم
- ۱۶ اما مطلوب چهارم
- ۱۶ اما مطلوب پنجم

۱۸	باب چهارم: در معرفت لذت و آلم عوارض نفسانیه
۱۸	هر یک از لذت و آلم بر دو قسم عقلی و حسی
۱۸	اما لذت عقلی
۱۸	اما لذت حسی
۱۸	■ آلم حسی
۱۸	● اما فرح
۱۸	● غم
۱۸	● حزن
۱۸	● خوف
۱۸	● فزع
۱۹	● غضب
۱۹	● حقد
۱۹	● حسد
۱۹	● خجل
۱۹	● وهم
۱۹	■ جبن و توحش
۲۰	باب پنجم: در معرفت استعداد و بیان اقسام استعدادات بر وجهی که شیخ الزنزیس
۲۰	اما استعداد لذت حسیه
۲۱	اما استعداد تام لذت عقلیه
۲۱	اما استعداد غیر تام
۲۲	باب ششم: در بیان استعداد اشخاص بشریه بر عوارض نفسانیه به حسب حونی که در بدن بود
۲۳	باب هفتم: در ذکر اسباب لذات بر وجه اجمال
۲۳	اسباب لذات بر دو قسم بود
۲۳	اسباب قریب
۲۴	اما اسباب بعید وی
۲۴	اما اغذیه و مشروبات
۲۵	اما غیر متناولات پنج است
۲۵	اما اسباب لذات عقلیه بر دو قسم بود
	مقاله اول: در بیان لذاتی که نفس را به واسطه قوای ظاهر و باطن حاصل می شود و مرتب بر هفت باب است
۲۹	باب اول: در بیان سبب لذت و آذی به حسب اجناس محسوسات
۳۰	اما اطبا گویند: سبب لذت محصور است در دو امر
۳۱	باب دوم: در لذاتی که نفس را به واسطه قوت باصره حاصل آید
۳۲	اما روشنایی و شفافیت

۲۲	✽ روشنائی
۲۳	✽ شفافیت
۲۳	✽ آتش
۲۳	✽ اما الوان روشن
۲۴	✽ اصل الوان
۲۴	• اقمشه نفیسه
۳۵	✽ حسن معنوی
۳۵	اول
۳۵	دوم
۳۵	■ اما قسم اول
۳۸	■ اما قسم دوم
۳۹	• اما پشاشت و ضحک
۳۹	• اما ملاست
۴۰	باب سوم: در لذاتی که نفس را به ریاضت قوت سامعه حاصل آید
۴۳	اما نعمات دوازده است
۴۴	اول
۴۴	دوم
۴۴	■ اما نعمات گرم
۴۵	■ اما نعمات سرد
۴۵	باب چهار: در لذاتی که نفس را به توسط قوت شامه حاصل آید
۴۷	اما مشمومات گرم مفرد
۴۷	• مشک
۴۷	• عنبر
۴۷	• زرنیاد
۴۷	• لادن
۴۷	• عود
۴۷	• سنبل و دارچین و اشنه و اظفار الطیب و قرنفل و سایر افادیه
۴۷	• بیک
۴۷	• ترنج
۴۸	• نارنج و لیمو
۴۸	• نرگس
۴۸	• یاسمین
۴۸	• نسترن
۴۸	• خبری
۴۸	• زلیق
۴۸	• فرنجمشک

۴۸	• نارخ القاد و ترنج و لیمو
۴۸	• قیصوم
۴۸	• مرزنبوش
۴۸	• بابونه
۴۸	• سعتر
۴۸	• زعفران
۴۹	• ریحان
۴۹	• بادرنجبویه
۴۹	• سیسنبهر
۴۹	• نعناع
۴۹	• اما مشمومات سرد مفرد
۴۹	• کافور
۴۹	• صندل
۴۹	• گل
۴۹	• گلاب
۴۹	• بنفشه
۵۰	• نیلوفر
۵۰	• عرق بیدمشک
۵۰	• گل بادام و سیب و امروند و بهی
۵۰	• مورد
۵۰	• بهمن
۵۰	• اما مشمومات گرم مرکب
۵۰	• □ غالیة دیگر
۵۰	• □ غالیة دیگر
۵۱	• ذریره
۵۱	• دیگر ذریره
۵۱	• ذریره جعفر برمکی
۵۱	• بخور دیگر
۵۱	• بخور دیگر
۵۲	• بخوردیگر
۵۲	• اما مشمومات سرد مرکب
۵۲	• □ ضمیت حلو کرد
۵۲	• بخور دیگر
۵۲	• بخور سرد
۵۳	• بخور دیگر معتدل
۵۳	• باب پنجم: در لذاتی که نفس را به توسط قوت ذائقه حاصل آید

۵۴ اما طعم مرکب بر دو قسم بود

۵۵ باب ششم: در لذاتی که نفس را به توسط قوت لامسه حاصل آید

۵۶ باب هفتم: در لذاتی که نفس را به توسط قوای باطن حاصل آید

مقاله دوم: در هواها و مسکن ها و لباس ها و مأكولات و مشروبات که سبب لذت باشد، مرتب بر هفت باب

۶۰ باب اول: در اموری که سبب لذت بود

۶۲ اسباب تغییرات و اختلافات هوا (نه) است

۶۶ باب دوم: در ساکن و ملبوساتی که سبب لذت بود

۶۶ اما خانه

۶۷ اما لباس

۶۸ باب سوم: در ادو و مفردات

فصل اول

۶۹ * ابریشم

۷۰ * اترج

۷۰ * آمله

۷۰ * آس

۷۰ * اسطوخودوس

۷۱ * آشنه

۷۱ * ازمال

۷۱ * ایتیمون

۷۱ * انقحه

۷۱ * اظفار الطیب

۷۱ * آذریون

۷۲ * انبر باریس

فصل دوم

۷۲ * بادر تجوبه

۷۲ * بادروج

۷۳ * بسد

۷۳ * بیجاق

۷۳ * بهمن

۷۳ * بسفایح

فصل سوم

۷۳ * جدوار

فصل چهارم

۷۴ * درونج

۷۴ * دارچینی

حرف هـ

- ۷۴ * هلیج کابلی
- ۷۴ * هلیج سیاه

حرف و

- ۷۴ * ورد

حرف ز

- ۷۵ * زعفران
- ۷۵ * زرنیاد
- ۷۵ * زرنب
- ۷۵ * زمرد

حرف ح

- ۷۶ * حجر ارمنی
- ۷۶ * حجر لاجورد
- ۷۶ * حجر البش

حرف ق

- ۷۶ * حجر الفادر

حرف ط

- ۷۷ * طباشیر
- ۷۷ * طین مخوم
- ۷۷ * طر حشقون

حرف ب

- ۷۷ * باقوت

حرف ک

- ۷۸ * کُنْدَر
- ۷۸ * کهریا
- ۷۸ * کافور
- ۷۹ * کزبره
- ۷۹ * کبابه

حرف ل

- ۷۹ * لسان الثور

- ٧٩ • لؤلؤ
- ٧٩ • لعل
- ٨٠ • ليمو

حرف الميم

- ٨٠ • مشك
- ٨٠ • موميائي
- ٨٠ • مرجان

حرف النون

- ٨١ • نمام و سيند
- ٨١ • نعناع
- ٨١ • نيلوفر
- ٨١ • نارمشك
- ٨١ • نارنج

حرف السين

- ٨١ • سوسن
- ٨٢ • سليخة
- ٨٢ • سنبل
- ٨٢ • سادج
- ٨٢ • سعد
- ٨٢ • سنا

حرف العين

- ٨٣ • عنبر
- ٨٣ • عود
- ٨٣ • عقيق

حرف الفاء

- ٨٣ • فضة
- ٨٣ • فلنجمشك
- ٨٤ • فاوانيا

حرف الصاد

- ٨٤ • صندل

عرق‌ها

- ۸۴ * قاقله
- ۸۴ * قرنفل
- ۸۴ * قرفه

کافور

- ۸۴ * راسن

کافور

- ۸۵ * تمر هندی

کافور

- ۸۵ * ذهب (طلا)

کافور

- ۸۵ * غاریقون
- ۸۵ باب چهارم: در ادویه مرکبه مفترحه
- ۸۷ اما مفترحات مرکبه گرم
- ۸۷ * دواء المشک شیرین
- ۸۸ * دواء المشک تلخ
- ۸۹ ■ مفترح گرم یاقوتی کبیر
- ۹۰ ■ مفترح یاقوتی گرم
- ۹۰ ■ مفترح یاقوتی گرم
- ۹۱ ■ مفترح یاقوتی گرم مایل به اعتدال
- ۹۱ نسخه دیگر مختصر
- ۹۱ ■ مفترح دیگری
- ۹۱ * مفترح ساده گرم
- ۹۲ * مفترح ساده گرم
- ۹۲ * مفترح ساده گرم
- ۹۳ نسخه دیگر مختصر
- ۹۳ * دیگر
- ۹۳ اما مفترحات مرکبه سرد
- ۹۳ * مفترح یاقوتی سرد
- ۹۴ * مفترح یاقوتی سرد
- ۹۴ * مفترح یاقوتی سرد

- ۹۵ • مفزح یاقوتی سرد
- ۹۵ * نوع دیگر
- ۹۵ • مفزح ساده سرد
- ۹۵ * نوع دیگر
- ۹۶ نسخه دیگر مختصر
- ۹۶ اما مفزحات مرکبه معتدل
- ۹۶ • مفزح معتدل
- ۹۷ • مفزح یاقوتی سرد
- ۹۷ • مفزح یاقوتی معتدل
- ۹۸ نسخه دیگر مختصر
- ۹۸ • مفزح ساده معتدل
- ۹۸ نسخه دیگر مختصر
- ۹۹ * نوع دیگر
- ۹۹ * قسم دیگر از مرکبات است
- ۹۹ • معجون نهج
- ۹۹ • مطبوخ افتمون
- ۱۰۰ • مطبوخ افتمون مع خیارشنب
- ۱۰۱ • حب افتمون
- ۱۰۱ • حب قوی ترکیب شیخ الرئیس
- ۱۰۱ • حب دیگر
- ۱۰۱ • حب دیگر
- ۱۰۱ • حب دیگر
- ۱۰۲ • حب دیگر
- ۱۰۲ باب پنجم: در اغذیه مفرده که سبب قرح بود
- ۱۰۲ ■ گوشت
- ۱۰۳ ■ گوشت بز
- ۱۰۳ ■ گوشت گوسفند بزرگ
- ۱۰۴ ■ گوشت بزغاله
- ۱۰۴ ■ گوشت بز بزرگ
- ۱۰۴ ■ گوشت گاو بره
- ۱۰۴ ■ گوشت ماکیان
- ۱۰۴ ■ گوشت خروس
- ۱۰۴ ■ گوشت مرغ جوجه

۱۰۵	■ گوشت طبعوج
۱۰۵	■ گوشت کبک
۱۰۵	■ گوشت دزاج
۱۰۵	■ گوشت تذرو
۱۰۵	□ بیضه
۱۰۶	□ سیب
۱۰۶	□ امرو
۱۰۶	□ سفرجل
۱۰۶	□ انگور
۱۰۶	□ انار شیرین
۱۰۶	□ پسته
۱۰۶	□ ریباچ
۱۰۷	□ از جمله حلواها
۱۰۷	باب ششم: در مشروباتی که سبب فرح بود
۱۰۷	□ شربت سیب سادج
۱۰۷	□ شربت سیب مقوّه
۱۰۸	□ شربت به
۱۰۸	□ شربت میوه
۱۰۸	باب هفتم: در اغذیه مرکبه که سبب فرح بود
۱۰۹	□ اما هریسه و کشک و حلیم گندم
۱۰۹	طعام‌های برنجینه
۱۰۹	آش‌های خمیرینه
۱۰۹	● اما حلوات
۱۱۰	□ شربت حماض ترنج
۱۱۰	□ شربت لیمو
۱۱۰	□ شربت نارنج
۱۱۰	□ شربت ریواس
۱۱۱	□ شربت صندل
۱۱۱	□ شربت نیلوفر
۱۱۱	□ شربت گاوزبان
۱۱۱	□ شربت بادرنجبویه
۱۱۱	□ شربت ابریشم
۱۱۲	جلاب سادج
۱۱۲	جلاب مرکب، ترکیب (شیخ‌الزینیس)

- ۱۱۲ جلاب دیگر مرکب
- ۱۱۲ ■ اما آب
- ۱۱۳ آب بر دو قسم بود: معدنی و غیرمعدنی
- ۱۱۳ اما آب معدنی
- ۱۱۳ اما آب غیرمعدنی
- ۱۱۳ ■ اما آب باران
- ۱۱۴ ■ اما آب رود
- ۱۱۴ ■ اما آب چشم
- ۱۱۵ ■ اما شرب
- ۱۱۵ • اما منافع نفسانیه
- ۱۱۵ • اما منافع بدنیه
- ۱۱۵ • بهترین شرابها

مقاله سوم: در ریاضت و بیداری و خواب و آسایش و اعراض نفسانیه و استفراغات معتاده و غیرمعتاده که سبب لذت بوده باشد، مرتب بر پنج باب

- ۱۱۹ باب اول: در ریاضت و بیداری که سبب لذت بر
- ۱۲۰ ریاضت بر دو قسم بود
- ۱۲۰ • قسم اول
- ۱۲۱ • قسم دوم
- ۱۲۱ □ دلک
- ۱۲۱ □ اما بیداری
- ۱۲۲ باب دوم: در خواب و آسایش که سبب لذت بود
- ۱۲۲ • خواب
- ۱۲۲ اما آسایش و سکون
- ۱۲۳ باب سوم: در اعراض نفسانیه که سبب لذت بود
- ۱۲۴ • غم
- ۱۲۴ باب چهارم: در استفراغات معتاده که سبب لذت بود
- ۱۲۴ ■ اما جماع
- ۱۲۴ • جماع معتدل
- ۱۲۵ ■ اما حمام
- ۱۲۵ • بهترین حمامها
- ۱۲۶ باب پنجم: در استفراغات غیر معتاده

مقاله چهارم: در اثبات لذات عقلیه و بیان فضیلت آن بر لذات حسیه و ذکر اسباب لذات عقلیه، مرتب بر پنج باب

۱۳۱ باب اول: در مذمت کسانی که لذات عقلیه را قائل نیستند

۱۳۲	باب دوم: در اثبات لذات عقلیه و بیان فضیلت آن بر لذات حسیه
۱۳۲	اما تقریر مطلوب اول
۱۳۳	اما تقریر مطلوب دوم
۱۳۴	باب سوم: در بیان اسباب بعیده لذات عقلیه
۱۳۵	باب چهارم: در ذکر اسباب قریبه لذاتی که تعلق به عقل نظری دارد
۱۳۵	اما علم الهی
۱۳۶	اما علم ریاضی
۱۳۶	اما علم طبیعی
۱۳۶	باب پنجم: در بیان اسباب لذاتی که تعلق به عقل عملی دارد
۱۳۶	اما علم تربیتی
۱۳۷	اما علم تدبیر منزل
۱۳۷	اما علم سیاست

خاتمه: در بیان کیفیت حسن صفت روح و نفس و طریق معالجه انحرافات هر یک، مشتمل بر چهار باب

۱۴۲	باب اول از خاتمه: در کیفیت حفظ صحت روح، مرتب بر چهار فصل
۱۴۲	فصل اول در تدبیر هوا
۱۴۲	اما تدبیر بهار
۱۴۳	اما تدبیر تابستان
۱۴۴	اما تدبیر پائیز
۱۴۴	اما تدبیر زمستان
۱۴۵	فصل دوم: در تدبیر طعام و آب و شراب
۱۴۵	اما تدبیر طعام
۱۴۷	اما تدبیر آب
۱۴۸	اما تدبیر شراب
۱۴۸	اما مجلس شراب
۱۵۰	فصل سوم: در تدبیر ریاضت و خواب و عوارض نفسانیه
۱۵۰	اما تدبیر ریاضت
۱۵۱	اما تدبیر خواب
۱۵۱	اما تدبیر عوارض نفسانیه
۱۵۲	فصل چهارم: در ترتیب استراغات معتاده یعنی جماع و حمام
۱۵۲	اما تدبیر جماع
۱۵۳	اما تدبیر حمام
۱۵۳	اما تدبیر خانه اول
۱۵۴	اما غسل کردن

- ۱۵۴ باب دوم: در علاج سوء مزاجات روح و سایر انحرافات وی، مرتب بر دو فصل
- ۱۵۴ فصل اول: در علاج سوء مزاج روح
- ۱۵۴ □ سوء مزاج روح بر دو قسم بود: «سادج و مادی»
- ۱۵۴ ■ اما سوء مزاج سادج
- ۱۵۴ * علاج وی
- ۱۵۵ ■ اما سوء مزاج مادی
- ۱۵۵ * علاج وی
- ۱۵۶ ■ یا تر بود
- ۱۵۶ * علاج وی
- ۱۵۶ ■ یا خشک بود
- ۱۵۶ * علاج وی
- ۱۵۷ ■ یا گرم و تر بود و یا گرم و خشک و یا سرد و تر و یا سرد و خشک
- ۱۵۷ علاج سوء مزاج گرم و تر
- ۱۵۸ علاج سوء مزاج گرم و خشک
- ۱۵۸ علاج سوء مزاج سرد و تر
- ۱۵۸ علاج سوء مزاج سرد و خشک
- ۱۵۸ سوء مزاج مادی یا از خون بود
- ۱۵۹ * علاج وی
- ۱۵۹ یا از صفرا بود
- ۱۵۹ * علاج وی
- ۱۵۹ یا از بلغم بود
- ۱۵۹ * علاج وی
- ۱۵۹ یا از سودا بود
- ۱۶۰ ● علامت آن
- ۱۶۰ * علاج وی
- ۱۶۰ فصل دوم: در علاج قلت و رقت و غلظت و کدورت روح
- ۱۶۰ اما قلت و رقت روح
- ۱۶۱ ● علامت وی
- ۱۶۱ * علاج وی
- ۱۶۱ غلظت و کدورت روح
- ۱۶۱ * علاج وی
- ۱۶۱ * علاج وی
- ۱۶۲ □ اما طریق استخراج
- ۱۶۲ اول

۱۶۲	دوم
۱۶۲	باب سوم از خاتمه: در کیفیت حفظ صحت نفس، مرتب بر پنج فصل
۱۶۳	فصل اول: در تدبیر مخالطت و مجالست با مردمان
۱۶۵	فصل دوم: در تدبیر التزام نمودن نفس به وظایف نظریات و عملیات
۱۶۶	فصل سوم: در تدبیر نمودن منع نفس از طلب زیادتی
۱۶۶	اول نعمت‌های حقیقی
۱۶۶	دوم نعمت‌های مجازی و عرضی
۱۶۶	• اما استلزام اول
۱۶۸	• اما استلزام دوم
۱۶۹	فصل چهارم: در منع نمودن نفس در تحریک قوت غضبیه و شهویه
۱۷۰	فصل پنجم: در طلب نمودن نفس
۱۷۲	باب چهارم از خاتمه: در عالجۀ اقسام نفس، مرتب بر سه فصل
۱۷۲	فصل اول: در معرفت اقسام بر ماری نفس
۱۷۴	* اما افراط در قوت نطقیه
۱۷۴	اما تفریط در او
۱۷۴	اما رداءت
۱۷۴	* اما افراط در قوت غضبیه
۱۷۴	اما تفریط در او
۱۷۴	اما رداءت این قوت
۱۷۴	* اما افراط در قوت شهویه
۱۷۴	اما تفریط در او
۱۷۴	اما رداءت این قوت
۱۷۵	فصل دوم: در علاج امراض نفس بر وجه کلی
۱۷۶	فصل سوم: در علاج خصوص بعضی عوارض نفسانی که تاثیر و نکایت آن در نفس بیشتر است
۱۷۶	□ اما غم
۱۷۷	* علاج وی
۱۸۰	□ اما غضب
۱۸۱	□ اما عجب
۱۸۱	□ اما تکبر
۱۸۱	□ اما افتخار
۱۸۲	□ اما مزاح
۱۸۳	□ اما مرء و لجاج
۱۸۳	□ اما استهزاء و مسخرگی
۱۸۲	□ اما غدر

۱۸۲	اما ضمیمه
۱۸۲	اما مناقشت و مناقشت
۱۸۳	اما جن
۱۸۳	اما خوف
۱۸۷	اما حسد
۱۸۷	اما جهل
۱۸۷	اما قسم اول
۱۸۸	اما قسم دوم
۱۸۸	اما حسد
۱۸۹	اما عشق
۱۸۹	اما عشق حقیقی
۱۸۹	اما عشق نفسانی
۱۹۰	اما عشق حیوانی
۱۹۰	علاج وی
	تعلیقات
۱۹۵	تعلیقات
۲۱۳	فهرست راهنما
۲۱۳	لفظ جلالة الله
۲۱۳	فهرست اشخاص
۲۱۵	فهرست اعلام
۲۱۵	احجار کریمه
۲۱۶	احشام: (حیوانات)
۲۱۶	ادویه: (گیاهان دارویی)
۲۲۱	اصوات: (موسیقی)
۲۲۲	علم: (دانش ها)
۲۲۲	کتابها
۲۲۳	الوان: (رنگها)
۲۲۳	اماکن
۲۲۴	امراض
۲۲۷	واژه نامه
۲۳۷	گیاه شناسی
۲۶۱	سنگ شناسی
۲۶۷	فهرست منابع
۲۷۳	منابع مرجع
۲۷۳	منابع اینترنتی

پیش‌گفتار:

هنگامی که فرهنگ و گذشته یک ملت را مطالعه و بررسی می‌کنیم یکی از موضوعاتی که همواره باید به طور دقیق و موشکافانه مورد تحلیل و بررسی قرار داد تا بتوان با کمک آن فرهنگ مذکور را شناخت و به غنای آن پی برد، آثار، ابنیه، مصنوعات، کتب، اسناد و سایر اشیا به جا مانده از گذشته فرهنگی و تاریخی آن قوم و ملت و مرزوبوم است.

یکی از مهمترین آثار به جا مانده از گذشته دور یا نه چندان دور یک ملت، بهترین و ناب‌ترین اشیا فرهنگی که همواره مایه فخر و مباهات آن ملت است، کتب، دست‌نوشته‌ها و اسناد تاریخی است که از گذشتگان خود به ارث برده‌اند. میراث گرانبهایی که گذر زمان نه تنها چیزی از ارزش معنوی و مادی آن کم نکرده است، بلکه همواره بر ارزش آن افزوده به گونه‌ای که هنوز هم می‌توان از آن‌ها به عنوان یک منبع موثق علمی، فرهنگی و ... بهره‌مند شد. بهترین و ارزشمندترین این اسناد، کتب و دست‌نوشته‌هایی است که توسط دانشمندان و نویسندگان نامی، کتابت شده است. در ایران نیز دست‌نوشته‌های موجود در کتابخانه‌های مختلف یکی از ذخایر گرانبه‌ای این مرز و بوم است که حاوی معارف بزرگان و اندیشمندان و علما در موضوعات مختلفی همچون؛

فلسفه و عرفان، فقه و اصول، طب، ریاضی، نجوم، ادبیات و تاریخ به زبان فارسی و عربی و بعضاً ترکی می‌باشد، نسخه‌های نادر و نفیس و با ارزشی که همچون گوهر تابناکی بر تارک فرهنگ و ادب فارسی می‌درخشد. این مخازن و کتابخانه‌ها مجموعه‌ای از نخستین ترجمه‌های فارسی اروپائیان می‌باشد که امروزه نیز از آن‌ها در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی به عنوان منابع پژوهشی، علمی، تحقیقاتی و ... منابع درسی و آموزشی استفاده می‌شود.

معرفی کتاب:

لازم است قبل از معرفی کتاب در ابتدا یک نمای کلی از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی ایران در طی قرون گذشته (سوم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم هجری) ارائه شود. و در ادامه جهت آشنایی بیشتر، به معرفی زاده، در چند از مشاهیر همشهری مؤلف و در آخر مؤلف این اثر و دیگر آثار آن پرداخته شود.

۱: ایران قرن هشتم

۱-۱: اوضاع سیاسی ایران در قرن هشتم

دوره‌ای که در این گفتار باید به آن پرداخته شود؛ روزگاریست به جای مانده از دورانی پراشتاب، آشوب و پر ماجرا که ویرانگران مغول و تاتار و دیگر زردپوستان وحشی یا نیمه‌وحشی آسیای مرکزی با تاخت و تازهای بی‌پای و بلا خیر خود در ایران به پا کردند. کشتارهای بی‌امان و قتل و عام‌های بی‌دری، شکنجه و آزارها، ساختن مناره‌ها از سرهای آدمیان، سربردن و مُثله کردن، دزدی و غارت، ترویج فساد و معایب، دروغ و تزویر، مخالفت با شرع و اخلاق و انسانیت و نظایر این فجایع سر لوحه بسیاری از اعمال و افعال و حوادثی است که در این دوره طولانی نزدیک به دو قرن رخ داد. (صفا، ۱۳۶۸/۳: ۱)

۲-۱: اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران در قرن هشتم

در مورد اوضاع و احوال اجتماعی ایران ذکر همین نکته کافیت که تیغ تاتار نشانه‌ای از عنف و قهر الهی شمرده می‌شد و مردم معتقد بودند که چون قوت و شوکت لشکر مغول با موافقت قضا و قدر همراهست باید فرمان الهی که ﴿وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾^۱ را آویزه گوش کنند. و خود را از بلای آنان در امان دارند؛ یعنی قبول ایلی کنند و مطیع ایشان باشند تا از «سَطَوَت و معرت باس»^۲ اسان، یمن و فارغ شوند. (همان: ۵۴)

اگر به طور کلی این دوره را از نظر اجتماعی بررسی کنیم و در جملاتی آن را بیان کنیم باید بگوئیم که دوره آشوب و خرابی و غارت بود. در این دوره مراکز اصلی ادب فارسی تغییر می‌یابد. شاعران و نویسندگان به سده و تنه آسیای صغیر پناه می‌برند و این مهاجرت باعث گسترش قلمرو شعر فارسی می‌شود. در این عصر عرفانی به اوج می‌رسد، خانقاه‌ها گسترش می‌یابند، شعر حماسی جای خود را به مثنوی ملی عرفانی می‌دهد. شعر درباری نیز از رونق می‌افتد، زمینه اصلی شعر فارسی زهد و عرفان است. شعر غایی نیز در فدارانی دارد که غزلیات سعدی نمونه‌ای از آنهاست. به سبب رواج و بیدادگری، شعرهای پشیمانی و اندوهناک و آرزوآفرینی می‌یابد، لغات عربی و ترکی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و کمابیش لغات مغولی هم وارد شعر می‌شود. (هاشم‌پور سبحانی، ۱۳۶۸: ۲۶۴)

۳-۱: نثر فارسی در این دوره (نثر فنی):

در این دوره نثر فارسی از سادگی دور می‌شود، صنایع بدیعی و سجع که نشانه‌هایی از آن‌ها در دوره پیش دیده می‌شود توسعه بیشتر می‌یابد و در اواخر همین دوره سجع‌پردازی به اوج خود

۱. سوره بقره. وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۹۵﴾ و در راه خدا انفاق کنید

و خود را با دست خود به هلاکت می‌کنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

۲. سَطَوَت (حمله بردن)، معرت (عیب، زشتی)، بدی ازار و گزند، آسیب و زیان و اگر در کاری خوفی کند که عاقبت وخیم و خاتمت

می‌رسد. اما نویسندگانی چون نجم‌الدین دایه، سعدالدین وراوینی و محمد عوفی از شیوه دوره قبل پیروی می‌کنند، بر روی هم این دوره، دوره نثر مصنوع (فنی) است. سعدی نابغه نثر فارسی در این دوره به ظهور می‌رسد. نثر وی نثری بدیع و استثنایی است و سبک خاصی دارد که می‌توان آن را سبک سعدی نامید. این سبک در دوره‌های بعد مقلدان زیادی پیدا کرده است. نثر رایج این زمان نثر عطا‌الکجوینی است که در آن لغات عربی و آیات و روایات و اشعار عربی بیش از حد به کار رفته است. محمیان راه و رسم در «وصاف الحضرة» در اواخر این عهد به حدی از افراط رسیده است که خواندن آن بسیار است. اما در کتاب‌های علمی تا حد امکان ساده‌نویسی حفظ شده است. (همان: ۲۶۵)

در نثر فنی نویسندگان برای بیان معنی، کوتاه‌ترین راه را انتخاب نمی‌کند، بلکه خواننده را همراه خود از راهی طولیل پیش می‌برد تا در طی این مسیر، مجال آن را داشته باشد که او را با مناظر گوناگون و زیبایی آشنا کند. این تمثیل است که ابن‌اثیر، در توجیه این معنی آورده و در مقام مقایسه روش ایجاز با اطناب و تطویل که در نظر او دو طریقه اخیر، بر خلاف عقیده متقدمان، متفاوت است - و چنین نیز هست - به کار می‌برد.

به این ترتیب در نثر فنی، به خلاف مرسل، روش کلام، اطناب است؛ یعنی آوردن الفاظ و لغات، ترکیبات و تعبیرات بسیار برای بیان مفاهیم و معانی اندک. (خصیبی، ۱۳۶: ۵۷)

ویژگیهای نثر فنی

۱. گرد آوردن الفاظ هماهنگ، گاه حتی به مراعات قواعد زبان نیز پای‌بند نیست؛ بلکه تنها رنگ و آهنگ خود را که با تقارن و تناسب از الفاظ و ترکیبات دیگر کسب می‌کند، در نظر می‌گیرد. (همان: ۹۵)
۲. تعبیرات و ترکیبات مجازی در نثر فنی هرچند از حیث کیفیت و تنوع، شاید به پای شعر نمی‌رسد؛ از نظر کمیت به کثرت و به منظور آرایش کلام به کار می‌رود. (همان: ۶۰)

۳. در نثر فنی، ارکان و اجزای دیگری نیز از قبیل: آیات قرآن و احادیث نبوی و اخبار و امثله و حکم و اشعار، استعمال می‌شود.

۴-۱: وضع علوم در قرن هشتم

ابن خلدون اندیشمند نام‌آور تونس که در پایان قرن هشتم می‌زیست، پس از آن که شرحی مبسوط دربارهٔ انحصار دانش و تمدن اسلامی به ایرانیان نوشته، گفته است که در این حالت تا آنگاه که فرهیختگی ویژهٔ ایرانیان و شهرهای ایشان از عراق و خراسان و آن سوی آب (= ماوراءالنهر) بوده، دوام داشت و چون شهرها و بران گردید و تمدن از آن‌ها زایل شد، دانش هم به سبب چیره شدن خوی بیابان‌گردی بر ایرانیان بکاره از میان آنان رخت برپست و به دیارهایی که تمدن بیشتری داشتند مانند مصر اختصاص یافت و تنها در آن سوی آب (ماوراءالنهر) بازمانده‌ای از تمدن به یاری دولتی که برجای ماند و به همسایگان به بهره‌ای از دانش‌ها و صنعت‌ها که انکار ناپذیرست در آن سامان باقیست. (صفا، ۱۳۶۸/۳: ۲۰۶)

۵-۱: پزشکی و داروشناسی

در پزشکی و داروشناسی تألیفات علمای این دوره متعدد و قابل توجه است. روی هم رفته مبانی اطلاعات پزشکان و مؤلفان این دوره همان است که در قرن‌های پیشین دیده‌ایم و همچنین است، توجه آنان به تألیف کتاب‌هایی به فارسی در این زمینه: مخصوصاً در شرح قانون ابن سینا یا تلخیص آن پدید آمده است و از میان آن‌ها می‌توان به «شرح قانون قرشی» از ابن نفیس قرشی «التحفة السعدیه» تألیف علامه قطب‌الدین شیرازی و تعداد زیادی شرح مختلف بر کتاب‌های پزشکی دیگر اشاره کرد. (همان: ۲۷۸)

زبان و ادبیات فارسی در قرن نهم

وضع علوم و انتشار یا عدم انتشار آن در دوران بعد از مغول و خاصه بعد از قرن هشتم را از دو جنبه می‌توان مطالعه کرد:

نخست: از جنبه کمیّت و یا وضع ظاهری آن.

دوم: از جنبه کیفیت یا وضع معنوی آن.

اگر علوم را در قرن نهم و آغاز قرن دهم به لحاظ ظاهری آن نگاه کنیم وضع مطلوبی داشت و اگر مقصود وضع معنوی آن یعنی پیشرفت واقعی به سبب تفکرات نو و ابتکارات و تألیفات مهم و پایدار باشد عکس قضیه صادق است چگونه می‌توان در سراسیابی انحطاط و ابتذال فکر و اندیشه پیشرفت و تعالی را جستجو کرد و از مردی که تا آن روزگار مورد هجوم و قتل و غارت قرار گرفته و زیر بار نظامات وحشیانه آنان زیسته و با آنان معاشرت کرده و از آنان خوی بد و سقاقت و سخافت رأی آموخته انتظار تربیت بزرگانی چون ابوریحان و ابن سینا و نظایر آنان را داشت؟ تمام حقایق و واقعیات تاریخی این نظر را ثابت می‌کند و ما را به همان نتیجه‌ای می‌رساند که ابن خلدون در بحث خود که در مبحث قبل به آن اشاره شد رسید. (صفا، ۱۳۶۳/۱: ۲۹)

خونخوار و ویرانگری چون چنگیز و احفاد او و ریاکار حوز آسامی مانند تیمور و اولادش چگونه می‌توانستند محیط مساعدی برای پرورش اندیشه و ارتقاء علم و ادب در بلاد المان مبتکر بیافرینند؟ در عصر جهانگشائی مغول عطاالملکی بود تا بگوید که در عهد او: «مدارس مدارس و معالیم منطمس گشته و طبقه طلبه آن در دست لگدکوب حوادث پایمال زمانه غدار و روزگار منار شدند»^۱ اما تیمور مزور مورّخانی را خرید تا هر چه از او گفتند خوب است. اینان جز منصب خلیفه‌اللّهی را همراه همه ملکات فاضله سزاوار او ندانسته و البته در جزو این فضایل حمایت از علم و علما و مدارس را هم به قلم آوردند، یعنی آن عالمان بیچاره‌ای که اسیروار همراه «مهندسان کاردان و معماران چابک‌دست روشن‌روان ... از تمام ممالک فارس و عراق و آذربایجان و دارالسلام»^۲ و دیگر بلاد به دارالسلطنه^۳ جمع شده

۱. تاریخ جهانگشای جوینی، چاپ لیدن، ج ۱، ص ۳.

۲. دارالسلام، بغداد.

۳. مقصود سمرقند پایتخت تیمور است.

بودند.^۱ وی کسانی را مانند میرسید شریف جرجانی را از شیراز به پایتخت خود کوچانید و به عبارت دیگر همان عملی را انجام داد که چنگیز می کرد یعنی بردن اهل اطلاع و محترفه به مغولستان برای آباد کردن آنجا به بهای ویرانی ممالک و بلاد مفتوحه. (همان: ۸۰)

طب در قرن نهم

تألیفات علمای این عهد در طب غالباً به فارسی و بیشتر شرح کتب قدیم با جمع‌آوری مجموعه اطلاعات از آثار، قدماست. از جمله اینهاست: شرح‌الاسباب و العلامات تألیف ابوحماد محمدبن علی سمرقندی (وفات ۶۱۸ هـ)^۲ و برهان‌الدین نفیس بن عوض بن نفیس کرمانی که در سال ۸۲۷ هجری شرح استواری بر آن نوشته است. محمدبن علاءالدین بن هبه‌الله سیزواری معروف به غیاث متطبیب کتابی به فارسی دارد به نام «قائیم‌العلاج» یا «شفاء‌الامراض» و یا «رساله‌ای در معالجات امراض بدن»^۳ در چهارده باب و در آن از کیست مداوا هر یک از امراض سخن گفته و کتاب را در سال ۸۷۱ هجری به پایان برده است. (همان: ۱۰۹).

علوم ادبی در قرن نهم

در قرن نهم شیوه کار در علوم ادبی همان است که در قرن هشتم بود، یعنی تلخیص و تحشیه و شرح و شرح کتب درسی، و گاه نظم قواعد ادبی زبان عربی به قصد تسهیل کار متعلمان این علوم و امثال این اعمال ... در این میان نکته‌ای که قابل توجه است این است شدن از میزان تألیفات به زبان عربی و افزوده شدن بر کتاب‌های فارسی در زمینه علوم ادبی است، و این خود نشانه‌ای است از ادامه داشتن گسیختگی ارتباط ایرانیان در زیر سلطه مغولان و ترکان جغتایی از یک‌طرف و رواج فرهنگ عربی اسلامی در برابر این گسیختگی پیوند میان زبان فارسی و ترکی از راه ترجمه بسیاری از آثار فارسی به ترکی و همچنین تدوین کتبی در لغت از فارسی به ترکی یا عکس آن، در این عهد روزافزون بود. (همان: ۱۱۰ و ۱۱۱).

۱. ظفرنامه شرف‌الدین یزدی، صص ۱۹۳، ۵۷۲.

۲. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، ج ۲، ص ۲۷۷.

۳. این اسامی مختلف به ترتیب در فهرست کتابخانه ملی پاریس و نسخه دانشگاه تهران و نسخه کتابخانه موزه بریتانیا آمده و همه یکی است. (صفا، ۱۳۶۳: ۱۰۹).